

تاریخ‌های محلی ناحیه جزیره: گونه‌شناسی ساختاری و ارزیابی محتوایی^۱

حسین نظری پسیخانی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

معصومعلی پنجه^۲

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یونس فرهمند

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

تاریخ موصل ابوزکریای آزدی (د ۳۳۴هـ)؛ تاریخ رقه قشیری حرّانی (د ۳۳۴هـ)؛ تاریخ میافارقین ابن‌ازرق فارقی (د.ح. ۵۷۷هـ)؛ و تاریخ اربل ابن‌مستوفی اربلی (د ۶۳۷هـ) چهار تاریخ محلی بازمانده از ناحیه جزیره در دوره میانه اسلامی است. در این مقاله به این پرسش‌ها پرداخته می‌شود که این کتاب‌ها جدا از «محلی» بودن، ذیل کدام یک از گونه‌های دیگر تاریخ‌نگاری اسلامی جای می‌گیرند؟ و محتوا و گزارش‌های آن‌ها در چه حوزه‌هایی حائز اهمیت است؟ از بررسی ساختاری و محتوایی این چهار کتاب روشن شد: ۱. تاریخ موصل «گاه‌نگاری محلی-عمومی» است که افزون بر تاریخ موصل و جزیره، به‌وفور از تاریخ دوره متأخر اموی و عصر اول عباسی نیز یاد کرده‌است؛ ۲. تاریخ رقه «تراجم‌نگاری طبقاتی» است که به ذکر احوال «علماء» رقه و جزیره پرداخته، اما درباره جغرافیا و تاریخ این شهر روایت‌های بسیار کمی دارد؛ ۳. تاریخ میافارقین «گاه‌نگاری محلی-عمومی-دودمانی» است که تاریخ محلی میافارقین و جزیره را ذیل تاریخ خلافت و تاریخ دودمان‌های حمدانی، مروانی و اُرتُقی روایت کرده‌است؛ ۴. تاریخ اربل

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۹

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): panjeh@srbiau.ac.ir

«تراجم‌نگاری غیرالفبایی» است که در آن به احوال و آثار شماری از دانشوران و ادیبان سده‌های ششم و هفتم هجری پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ‌های محلی جزیره، تاریخ موصل، تاریخ رقه، تاریخ میافارقین، تاریخ اربیل.

مقدمه

پژوهشگران تاریخ‌نگاری اسلامی تاریخ‌های محلی را برچند گونه / نوع تقسیم کرده‌اند. ف. روزنتال^۳ آن‌ها را در دو گونه «دنیوی یا غیردینی» و «دینی» جای داده است.^۴ ص. سجادی و هم‌عالم‌زاده نیز در ذکر انواع تاریخ‌نگاری اسلامی از «تواریخ محلی» یاد کرده، اما مراد آن‌ها از این تواریخ تنها وقایع‌نامه‌های محلی بوده، چراکه سرگذشت‌نامه‌های محلی را ذیل «فرهنگ‌نامه‌های تاریخی» آورده‌اند.^۵ ص. آئینه‌وند ذیل «اشکال» تاریخ‌نگاری اسلامی «تاریخ‌های محلی و منطقه‌ای» را به دو شکل تقسیم کرده: ۱. تاریخ‌های محلی دینی؛ ۲. تاریخ‌های محلی عمومی.^۶ هم‌چنین چ. رایبسون^۷ که در تقسیم‌بندی کلان خود از سه گونه اصلی «سیره‌نگاری»، «تراجم‌نگاری» و «گاه‌نگاری» در تاریخ‌نگاری اسلامی یاد کرده، بر این باور است که تاریخ‌های محلی یا «تراجم‌نگاری» اند یا «گاه‌نگاری».^۸

آیا این گونه‌شناسی‌ها جامع‌اند؟ یعنی همه تاریخ‌های محلی را می‌توان ذیل این گونه‌ها جای داد؟ مهم‌تر آن‌که آیا این گونه‌شناسی‌ها دقیق، روشنگر و راهگشایند و در مطالعات تاریخی می‌توان به آن‌ها تکیه کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی یک یک تاریخ-

3. F. Rosenthal

۴. روزنتال، ۱/ ۱۷۳.

۵. سجادی و عالم‌زاده، ۱۲۹-۱۳۳، ۱۴۳-۱۴۵.

۶. آئینه‌وند، ۱۰۹-۱۱۹.

7. Ch. Robinson

۸. رایبسون، ۱۱۶ به بعد، ۲۵۳.

های محلی اسلامی است که قاعدتا در این مجال نمی‌گنجد. این مقاله می‌کوشد با واکاوی ساختاری و محتوایی چهار تاریخ محلی ناحیه جزیره یعنی تاریخ موصل ابوزکریای ازدی (د ۳۳۴هـ)؛ تاریخ رَقَّة فُشیری حَرَّانی (د ۳۳۴هـ)؛ تاریخ مِیافارقین و آمد ابن ازرق فارقی (د. ح. ۵۷۷هـ) و تاریخ اربل ابن مُستوفی اربلی (د ۶۳۷هـ) مشخصا به این پرسش‌ها پردازد که این کتاب‌ها افزون بر «محلی» بودن، از لحاظ ساختار و محتوا ذیل کدام یک از گونه‌های دیگر تاریخ‌نگاری اسلامی جای می‌گیرند؟ و محتویات و گزارش‌های آن‌ها در چه حوزه‌هایی حائز اهمیت است؟

تاریخ موصل

از تاریخ موصل نسخه‌ای ناقص در کتابخانه چستر بیٹی^۹ شناخته شده و در دسترس است که مبنای تصحیح علی حبیبیه قرار گرفته است (قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م).^{۱۰} بخش بازمانده از تاریخ الموصل یا تاریخ و اخبار الموصل^{۱۱} مشتمل است بر گزارشی سال‌شمار از ۱۰۱ تا ۲۲۴ هجری. ازدی یک‌صد سال پس از آخرین سالی که روایت کرده، یعنی در ۳۳۴هـ درگذشت؛ از این روی به نظر می‌رسد بخش بازمانده، همه تاریخ موصل نباشد. گمان بر این است که تاریخ موصل سه جزء بوده و این بخش موجود جزء دوم کتاب است. جزء اول از صدر اسلام تا سال ۱۰۱هـ را دربرمی‌گرفته و جزء سوم شامل روی‌دادهای سال ۳۳۴ تا دوره

9. Chester Beatty

۱۰. در ۱۴۲۷هـ احمد عبدالله محمود تصحیحی دیگر از تاریخ موصل منتشر کرد (بیروت، دارالکتب العلمیه). در این تصحیح وی با مراجعه به تاریخ‌هایی چون تاریخ طبری، المنتظم ابن جوزی و الکامل ابن اثیر، رویدادهای سال‌های ۱۶ تا ۱۰۰ و ۲۲۴ تا ۳۳۴هـ (سال مرگ ازدی) را بدان افزود. این تصحیح هیچ برتری‌ای بر تصحیح علی حبیبیه ندارد و افزوده‌های مصحح از منابع دیگر نیز برای محققان خالی از فایده است، چراکه هیچ ارتباطی با اجزای مفقود تاریخ موصل ندارد!

۱۱. سخاوی، ۲۷۰.

مؤلف بوده است.^{۱۲} گفتنی است این دیدگاه روزنتال که کتاب دیگر ازدی یعنی طبقات المحدثین، که گاه به نام طبقات العلماء بالموصل^{۱۳} نیز خوانده شده و امروزه در دسترس نیست، بخشی از تاریخ موصل ازدی بوده^{۱۴} نادرست است، چنان که خود ازدی نیز در جایی تصریح کرده که طبقات المحدثین کتابی دیگر است.^{۱۵}

شیوه تدوین تاریخ موصل سال شمارانه است و ازدی رویدادهای هر سال را ذیل همان سال می آورد؛ حتی اگر روی دادی در چند سال تداوم داشته و در یک سال پایان پذیرفته باشد، گزارش آن روی داد را جدا جدا ذکر می کند؛ مثلاً شورش های دیرپای ابوحزمه خارجی^{۱۶} و بابک خرمدین^{۱۷} را در سال های متمادی آورده است. گاه در درون گزارش هر سال، عناوینی فرعی می آورد و گاهی گزارش را چندان تفصیل می دهد که از شیوه سال-شمارانه عدول می کند.^{۱۸} انتخاب عناوین نیز از الگویی منظم و دقیق پیروی نمی کند. شماری از وقایع مهم فاقد عنوان است.^{۱۹} تا سال ۱۷۰ هـ آن چه درباره شهر موصل آورده حتی خیر مهم کشتار مردم موصل توسط کارگزار عباسیان در سال ۱۳۳ هـ بدون عنوان است،^{۲۰} اما

۱۲. ازدی (۸۹) از یحیی بن سلیمان که در ایام خلیفه مستعین عباسی می زیسته یاد و تأکید می کند که در این کتاب از او بسیار سخن رانده که این نشان می دهد تاریخ موصل جزء سومی هم داشته است.

۱۳. سمعانی، ۱۲/۱۰.

۱۴. روزنتال، ۱۷۶/۱-۱۷۷.

۱۵. «وقد ذکرنا اخبار المعافی فی کتاب طبقات المحدثین» (ازدی، ۳۰۱).

۱۶. نک. همو، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹ و جم.

۱۷. نک. همو، ۳۴۲، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸ و جم.

۱۸. برای نمونه، نک. گزارش مفصل از ساکنان و پراکندگی قبایل در موصل در ذیل سال ۱۲۹ (همو، ۸۱-۱۰۵).

۱۹. مثلاً قیام ابوحزمه خارجی (همو، ۹۸) و رویارویی محمد نفس زکیه با منصور عباسی (همو، ۱۸۲).

۲۰. ازدی، ۱۴۵.

از ۱۷۰۰هـ اخبار موصل و والیان آن بارها ذیل عناوین فرعی می‌آید.^{۲۱} اگر فقط نام کتاب معیار باشد تاریخ موصل تاریخی محلی است، اما اگر محتوای آن کاویده شود، آن‌گاه روشن می‌شود که این تعبیر «محلی» تا چه اندازه گمراه‌کننده و رهزن است؛ چه با مروری شتابزده و کلی خواننده درمی‌یابد که بیش از نیمی از گزارش‌های ازدی در تاریخ موصل تاریخ محلی موصل و نواحی اطراف آن نیست. در سرتاسر کتاب روی-دادها و خبرهای مرکز خلافت و دیگر سرزمین‌های اسلامی به‌همراه روی‌دادها و خبرهای موصل و نواحی آن ذکر می‌گردد. غالباً در پایان هر سال و گاه در آغاز سال‌ها وفیات علما و مشاهیر اعم از موصلی یا غیر موصلی ذکر شده‌است.

بدون شک تاریخ موصل تاریخ عمومی خلافت در سده دوم و دهه‌های نخست سده سوم هجری است. ازدی هم‌چون مورخان عمومی هم‌روزگارش، یعقوبی، طبری و مسعودی، خبرها و روی‌دادهای سه دهه پایانی خلافت اموی و سده نخست خلافت عباسی را گزارش کرده‌است؛ به عنوان نمونه آنچه ذیل سال ۱۰۱، سال پایانی خلافت عمر بن عبدالعزیز، آورده به‌جز چند سطر درباره والی موصل، همه درباره زندگی و شخصیت این خلیفه و رویدادهای روزگار اوست.^{۲۲} هم‌چنین اخبار کشمش‌های درون خاندان اموی در سال‌های پایانی خلافت و قدرت‌گیری مروان بن محمد و فرجام سقوط امویان در این کتاب به تفصیل آمده‌است.^{۲۳} افزون بر ذکر اخبار خلفا، خبرها و رویدادهای سراسر قلمرو خلافت از اخبار غزا در مرزهای روم، ارمنیه، آذربایجان، خزر و خراسان^{۲۴} تا ذکر نام والیان عراق،

۲۱. برای نمونه، نک. «سبب ولایة عبدالملک بن صالح الموصل» (همو، ۲۴۲)؛ «من اخبار عبدالملک مع الرشید» (همو، ۲۶۴)؛ «من خبره فی ولایة الموصل» (همو، ۲۶۹)؛ «من خبره بالموصل» (همو، ۳۱۹)؛ «من اخبار بنی الحسن بالموصل» (همو، ۳۳۶).

۲۲. نک. ازدی، ۱۰-۳.

۲۳. نک. ۶۴ به بعد.

۲۴. برای نمونه، نک. همو، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۹-۴۰، ۴۲ و جم.

مصر، افریقیه و خراسان^{۲۵} در تاریخ موصل بازتاب یافته است. آغاز دعوت عباسی، خیزش هواداران ایشان در خراسان و روند قدرت‌یابی و پیروزی عباسیان به تفصیل در تاریخ موصل آمده است.^{۲۶} ازدی بسیاری از روی داده‌های دوره سفاح تا معتصم عباسی را گزارش کرده است؛ از شورش دمشقیان در دوره سفاح گرفته^{۲۷} تا شورش بابک خرم‌دین در دوره مأمون و معتصم.^{۲۸} بسیاری از اخبار و حوادث دوره مأمون گاه حتی با ذکر عنوان در تاریخ موصل آمده، مثلاً «من اخبار المأمون و الشعراء فی ایامه»؛^{۲۹} «من اخبار المأمون بالشام»؛^{۳۰} «حدیث محنة».^{۳۱} تاریخ موصل شامل متن کامل و مفصل شماری از خطابه‌ها و نامه‌های خلفای عباسی است که در سایر منابع یا نیامده یا بسیار خلاصه ذکر شده؛ از جمله متن امان‌نامه منصور عباسی برای عمویش عبدالله بن علی^{۳۲} و متن مفصل سخنرانی منصور در رقه درباره فضیلت قبایل یمانی بر قبایل مضر.^{۳۳}

از دیگر دلایلی که می‌توان تاریخ موصل را در زمره تاریخ‌های عمومی انگاشت این است که ازدی از این گونه آثار بسیار بهره برده است؛ از جمله تاریخ خلیفه بن خیاط (د ۲۴۰هـ) که یکی از نخستین تاریخ‌های عمومی است که ازدی بارها از آن مستقیم یا غیرمستقیم نقل کرده است. ازدی به‌ویژه در نقل اخبار دوره بنی‌امیه عمدتاً بر خلیفه بن خیاط تکیه می‌کند.^{۳۴} دیگر مورخ عمومی مسلمان که ازدی از او هم بارها نقل کرده محمد بن

۲۵. برای نمونه، نک. ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۶.

۲۶. برای نمونه، نک. ازدی، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۴۵-۵۰، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۱۶-۱۱۷ و جم.

۲۷. همو، ۱۴۴.

۲۸. نک. همو، ۳۴۲، ۳۵۳، به‌ویژه ۳۵۶-۳۵۸، ۳۸۶-۳۹۱ و جم.

۲۹. نک. همو، ۴۰۰-۴۰۴.

۳۰. نک. همو، ۴۰۸-۴۱۰.

۳۱. نک. همو، ۴۱۲-۴۱۵، ۴۱۷-۴۲۱ (محنة در دوره معتصم).

۳۲. همو، ۱۶۸.

۳۳. همو، ۲۱۸.

۳۴. برای مثال، نک. ازدی ۵۵، ۵۷، ۷۲، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۶۰ و جم.

جریر طبری (د ۳۱۰هـ) است.^{۳۵} نقل‌های او از تاریخ طبری زیاد و چشمگیر است و گاه عین عبارات طبری را آورده است.^{۳۶}

قاعدتا مهم‌ترین و سودمندترین داده‌ها و گزارش‌های تاریخ موصل آن‌هایی است که درباره تاریخ شهر موصل است. تاریخ موصل آگاهی‌های بسیاری درباره والیان و عاملان حکومتی موصل و جزیره دارد. ازدی از امیران، قاضیان، صاحبان شرطه و دیگر عاملان موصل و اقدامات آن‌ها یاد کرده، گاه به نقد عملکردشان می‌پردازد.^{۳۷} یادکرد از علمای موصل ذیل وفيات آن‌ها نیز تاریخ موصل را به منبعی مفید برای مطالعه زندگی دانشوران موصلی در سده دوم سوم هجری تبدیل کرده است.^{۳۸} تاریخ موصل هم‌چنین حاوی اطلاعات ارزشمند و جامعی از قبایل عربی ساکن در موصل و پیرامون آن است.^{۳۹} علاقه وافر مولف به قبیله ازد سبب شد تا صفحات زیادی از کتابش را به معرفی رجال قبایل یمانی و ازدی موصل اختصاص دهد. گزارش‌های مفصل ازدی از برخی روی‌دادهای مهم موصل که در منابع دیگر کمتر بدانها پرداخته شده، به این بخش‌های کتاب ارزشی دوچندان داده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به روایت مفصل وی از قتل عام مردم موصل توسط عامل خلیفه عباسی در ۱۳۳هـ^{۴۰} یا گزارش نزاع یمنی - نزاعی معروف به «میدان» در موصل در ۱۹۸هـ^{۴۱} و ذکر اخبار تحركات خوارج موصل در اواخر عهد بنی امیه^{۴۲} اشاره کرد.

تاریخ موصل حاوی داده‌های سودمندی از اوضاع اقتصادی و عمرانی موصل، مثلا

۳۵. برای مثال، نک. ازدی، ۵، ۱۰، ۲۸۱.

۳۶. ازدی (مقدمه حبیبیه)، ۲۳-۲۴.

۳۷. نک. ازدی، ۱۰، ۱۷، ۲۶، ۴۰، ۱۵۷، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۳۷.

۳۸. همو، ۳۰۱، ۴۱۱.

۳۹. همو، ۷۷-۱۰۲.

۴۰. همو، ۱۴۵.

۴۱. همو، ۳۳۲.

۴۲. همو، ۷۲-۷۶.

بازار موصل، قیمت‌ها، بیت المال، خراج و جزیه در سده‌های دوم و نیمه نخست سده سوم هجری است.^{۴۳} ابوزکریا خبر حفر کانال در شهر موصل را با ذکر جزئیات آورده و در سال-های متمادی تا ساخته شدن این کانال این خبر را پی گرفته است.^{۴۴} وی هم چنین درباره تعبیه آسیاب‌هایی بر این نهر و چگونگی آردکردن گندم مطالبی را ذکر می‌نماید.^{۴۵} از تاریخ موصل می‌توان اطلاعاتی درباره محله‌ها کوچه‌ها و راه‌ها و دروازه‌های موصل به دست آورد.^{۴۶} کتاب آگاهی‌هایی درباره مسجد جامع موصل^{۴۷} و سایر مساجد این شهر،^{۴۸} بازار اطراف آن،^{۴۹} قصرهای امیران^{۵۰} و خانه‌های بزرگان و مردم شهر اطلاعاتی به دست می‌دهد.^{۵۱} هم چنین از قصر یوسف بن یحیی بن حکم^{۵۲} و قصر هشام بن عبدالملک در موصل یاد می‌کند.^{۵۳}

روایت قتل عام مردم موصل در آغاز دوره عباسی یکی از مفصل‌ترین روایات تاریخ موصل است که از مقایسه آن با روایت‌های مورخان دیگر می‌توان از اهمیت آن پرده برداشت. این کشتار دسته‌جمعی در سال ۱۳۳ هـ به فرمان برادر خلیفه و والی عباسی شهر یحیی بن محمد بن علی و سپاه عباسی صورت گرفت. ازدی در نه صفحه با ذکر جزئیات

۴۳. ازدی، ۱۵۷، ۲۲۹، ۲۴۸، ۳۶۲، ۳۶۳.

۴۴. همو، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۴۳.

۴۵. همو، ۴۳.

۴۶. نک. همو، ۷۷-۹۲.

۴۷. همو، ۱۴۷، ۱۹۹، ۲۴۸.

۴۸. همو، ۹۰، ۹۴، ۱۶۶.

۴۹. همو، ۱۶۶.

۵۰. همو، ۱۵۶.

۵۱. همو، ۹۲.

۵۲. همو، ۲۳.

۵۳. همو، ۲۴.

این کشتار هولناک را گزارش کرده‌است.^{۵۴} گزارش ازدی از این کشتار بر روایت‌های شفاهی نوادگان بازماندگان این واقعه مبتنی است که آن را از اجداد خود روایت کرده‌اند. ذکر جزئیات این رویداد از زبان راویان گونه‌گون نشان می‌دهد که دو قرن پس از آن واقعه هم‌چنان یاد این کشتار در حافظه جمعی مردم موصل زنده بوده و نویسنده نیز کوشیده ابعاد مختلف آن را ثبت و ضبط کند و به آیندگان برساند. ازدی با ذکر روایت‌های گوناگون کوشیده‌است ابعاد و زوایای آن روی‌داد را بشکافد و تصویری کامل از آن به‌دست دهد. در خور توجه است که از مورخان نخستین تنها بلاذری و یعقوبی روایتی بسیار کوتاه از این واقعه به دست داده‌اند و مورخ پرنویسی چون طبری هیچ ذکری از آن نکرده‌اند که این خود بر ارزش و اهمیت روایت ازدی می‌افزاید.

پیش از ازدی، بلاذری (د ۲۷۹هـ) و یعقوبی (د ۲۸۴هـ) و پس از وی ابن حزم (د ۴۵۶هـ)، ابن‌اثیر (د ۶۳۰هـ)، ابن‌خلدون (د ۸۰۸هـ) و مقریزی (د ۸۴۵هـ) از این روی‌داد گزارش‌هایی کوتاه یا بلند به‌دست داده‌اند. روایت کوتاه یعقوبی^{۵۵} خالی از ذکر جزئیات است، اما آغاز و انجام گزارش به گونه‌ای تدوین شده که مردم موصل را مقصر و شورشی جلوه می‌دهد. گزارش‌های نسبتاً بلند ابن‌اثیر^{۵۶} و ابن‌خلدون،^{۵۷} در واقع خلاصه روایت مفصل ازدی است و اگر چه خالی از جانب‌داری از عباسیان است، اما در آن همدلی یا دلسوزی برای موصلیان هم احساس نمی‌شود.

روایت بلاذری^{۵۸} گزارشی سرتاسر خصمانه برضد موصلیان و جانب‌داری از عباسیان است. در این گزارش بسیار خلاصه نه از سبب واقعی این کشتار سخن رفته، نه شمار کشته-

۵۴. ازدی، ۱۴۵-۱۵۴.

۵۵. یعقوبی، ۳۴۱/۲.

۵۶. ابن‌اثیر، ۴۴۳/۵-۴۴۴.

۵۷. ابن‌خلدون، ۲۷۸-۲۷۹.

۵۸. بلاذری، ۲۸۱/۴.

شدگان ذکر شده است. بلاذری به جای پرداختن به سبب و عاملان این کشتار با ذکر برچسب‌هایی، انگشت اتهام را به سوی مردم موصل نشانه گرفته است. او در ابتدای گزارش برای آن که نشان دهد که مردم موصل مستحق این کشتار بوده‌اند، آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: خوارج، دزدان و تاجران. برچسب خارجی در سرتاسر دوره اموی و عباسی بهانه مشروعی برای سرکوب مخالفان بود؛ تکلیف دزدان هم مشخص است، اما باید از مورخ بزرگ احمد بن یحیی بلاذری پرسید تاجران چرا باید کشته شوند! شگفتا که بلاذری به این سه اتهام اکتفا نمی‌کند و در پایان گزارش برای آن که به خواننده القا کند که قتل عام موصلیان کار درستی بوده است می‌نویسد: «مردم موصل به واسطه شرارتشان خزر العرب نامیده شده‌اند».^{۵۹} خزران قومی ترک‌تبار و ساکن قفقاز بودند که در سده‌های نخست اسلامی بارها سرسختانه با سپاهیان مسلمان جنگیدند و بزرگ‌ترین مانع گسترش اسلام در اروپای شرقی بودند.^{۶۰} خزرها گویا در آن زمان از نظر مسلمانان نماد شرارت بودند و از همین روی بلاذری مردم موصل را بدانان مانند کرده است.

روایت‌های ابن حزم و مقریزی نقطه مقابل روایت بلاذری است. این دو گزارش خود را ذیل احوال سفاح آورده و بر کشتار مردم موصل در دوره او تمرکز کرده‌اند. زبان و گفتمان حاکم بر روایت این دو از گزارش تاریخی فراتر می‌رود. این دو نقش سفاح را در این کشتار پررنگ و دست او را به خون مردم موصل آلوده می‌بینند. از این روی هر دو مانند ازدی پرسش و پاسخ میان سفاح و همسرش، ام سلمه، درباره سبب کشتار مردم موصل و اظهار بی‌اطلاعی سفاح را نقل می‌کنند^{۶۱} و اکثراً مقریزی در برابر این ادعای سفاح بسیار شدید است: «او (سفاح) چاره‌ای جز انکار این کار زشت و نفرت‌انگیز نداشت، به جان خودم سوگند که در فساد از فرعون پیشی گرفت و در تکبر و خیره‌سری از او فراتر رفت و به واسطه

۵۹. همو، ۲۸۱/۴.

۶۰. عالم‌زاده، ۸۵-۸۶؛ ذیلابی، ۲۴-۵.

۶۱. ابن حزم، ۲۰-۲۱.

کردار برادرزاده‌اش [کذا]^{۶۲} امت محمد(ص) را در بدترین عذاب افکند، شدیدتر و زشت‌تر از آن‌چه فرعون در حق بنی اسرائیل کرد».^{۶۳} آغاز و انجام گزارش ابن حزم با تذکر و تأکید بر این نکته نگاشته شده که هم ابوالعباس سفاح و هم برادرش یحیی «عقب» نداشتند و پسرانشان بدون فرزند بودند و از این روی نسل آن‌ها برافتاد!^{۶۴} روشن است که بنابر تعلیل ابن حزم برافتادن نسل این دو برادر نتیجه کشتار مردم موصل بود.

روایت ازدی از کشتار مردم موصل نمونه‌ای مثال‌زدنی از کنش مورخی محلی است که می‌کوشد آن‌چه را بر هم‌شهریانش گذشته زنده نگه دارد، درحالی‌که مورخان عمومی و متمایل به عباسیان یا از ذکر واقعه طُفَره رفته‌اند یا آن را به نفع عباسیان روایت و تفسیر کرده‌اند. سال‌ها پس از کشتار، هرگاه ذکری از دو عامل اصلی آن یعنی محمد بن صول و یحیی بن محمد می‌رفت، ازدی خاطره آن کشتار را به یاد خواننده می‌آورد؛ چنان‌که خبر قتل محمد بن صول را که سه سال پس از آن کشتار در سال ۱۳۶ هـ روی داد، چنین گزارش می‌کند: «و فیها قُتل عبدُ الله بن علی محمد ابن صول الذی قُتل اهلَ الموصل مع یحیی بن محمد»؛^{۶۵} بیست‌وسه سال پس از کشتار در ذکر وقایع سال ۱۵۷ هـ آورده‌است: «و اقام الحج فیها ابراهیم بن یحیی بن محمد بن علی بن عبد الله بن العباس و ابوه یحیی بن محمد الذی قُتل اهلَ الموصل فی سنة ثلاث و ثلاثین و مائة».^{۶۶}

بنابر آن‌چه گفته شد روشن می‌شود که تاریخ موصل فقط یک «تاریخ محلی» نیست. آئینه‌وند متأثر از مطالعات عربی تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ موصل را در زمره «تاریخ‌های محلی عمومی» آورده،^{۶۷} اما توضیح نداده که مرادش از «عمومی» چیست؟ از آن‌جاکه او

۶۲. ابن حزم و مقریزی هر دو کشتار را به پسر یحیی بن محمد، یعنی ابراهیم نسبت داده‌اند که نادرست است!

۶۳. مقریزی، ۹۹-۱۰۰.

۶۴. ابن حزم، ۲۰-۲۱.

۶۵. ازدی، ۱۶۴.

۶۶. همو، ۲۲۹.

۶۷. آئینه‌وند، ۱۱۴.

گونه دیگر تاریخ‌های محلی را به پیروی از روزنتال «تاریخ‌های محلی دینی»^{۶۸} نامیده، گویا منظورش از «عمومی» همان «غیردینی» یا «دنیوی» است، به هر روی روشن است در تعبیر او «عمومی» صفت «محلی» است، اما بنابر آنچه گفته آمد، تعبیر دقیق‌تر برای وصف گونه‌ای که تاریخ موصل در آن جای می‌گیرد این است: «گاه‌نگاری محلی - عمومی».

تاریخ رَقَّة

تاریخ الرِّقَّة و مَنْ نَزَلَهَا مِنْ اصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّابِعِينَ وَ الْفُقَهَاءِ وَ الْمُحَدِّثِينَ نوشته محمد بن سعید بن عبدالرحمن قُشیری حَرَّانِی (د ۳۳۴هـ) است. از این کتاب تنها یک نسخه خطی باقی مانده که در ۶۳۱هـ در قاهره کتابت شده و اکنون در مکتبه الأسد الوطنیة در دمشق نگهداری می‌شود. از نام کتاب پیداست که در آن از صحابه، تابعین، تابعان تابعین و فقیهان و محدثانی یاد شده که برهه‌ای از زندگی خود را در شهر رَقَّة گذرانده بوده‌اند. نسخه خطی تاریخ رَقَّة شامل سه جزء است: در جزء اول شرح حال ۳ صحابی و ۱۲ تابعی و ۳ تن از تابعان تابعین آمده؛ جزء دوم مشتمل است بر تراجم ۱۷ تن از تابعان تابعین؛ و جزء سوم تراجم ۱ تن از تابعان تابعین و ۸۷ تن از فقیهان و محدثان را دربر گرفته است.^{۶۹} روشن نیست که چرا کتابی چنین مختصر به سه جزء تقسیم شده؟ و آیا این تقسیم‌بندی را خود قُشیری انجام داده یا ناسخ کتاب؟ نکته تعجب‌برانگیز دیگر آن است که این ۱۲۳ ترجمه شماره‌گذاری شده‌اند، البته یک تن، عبیدالله بن بشر بن التیهان، که نامش بین شماره ۲۲ و ۲۳ آمده فاقد شماره است و دیگری، عبیدالله بن عمرو، دارای دو شرح احوال ذیل دو شماره ۳۸ و ۶۴ است!

تاریخ رَقَّة با مقدمه‌ای شامل چگونگی فتح ناحیه جزیره به دست مسلمانان و متن صحلنامه‌ای که فاتح جزیره، عیاض بن غَنَم، با مردمان آن منطقه در شهر رُها بست، آغاز

۶۸. همو، ۱۱۰.

۶۹. قُشیری حرَّانِی (مقدمه صالح)، ۸-۹.

می‌شود.^{۷۰} جالب توجه است که در این گزارش حتی یک بار هم نام رَقه نیامده و از چگونگی فتح آن سخنی نرفته‌است. هم‌چنین برخلاف دیگر تراجم‌نگاری‌ها در این مقدمه از جغرافیا، عارضه‌نگاری و تاریخ گذشته رَقه ذکری به میان نیامده‌است. پس از آن، زندگی-نامه‌ها با ذکر احوال سه صحابی آغاز می‌شود. شرح‌حال‌ها عمدتاً کوتاه است و از نیم یا یک صفحه فراتر نمی‌رود. تنها یک استثنا وجود دارد، یعنی شرح‌حال میمون بن مهران (د ۱۱۷هـ) که نزدیک به بیست صفحه از نسخه چاپی را دربر گرفته است.^{۷۱}

قشیری در ذکر مشخصات افراد از الگوی روشنی پیروی نمی‌کند. معرفی افراد را گاه با ذکر کنیه آغاز می‌کند،^{۷۲} گاه با بیان نسبت یا وابستگی قبیله‌ای یا ذکر زادگاه وی.^{۷۳} در بسیاری از موارد هم به ذکر نام فرد بسنده می‌کند.^{۷۴} قشیری در ثبت سال وفات یا تولد افراد نیز یک‌سان عمل نمی‌کند. گاه از ذکر تاریخ وفات بسیاری از تابعین مشهور غافل می‌شود، در مقابل گاهی در ذکر وفات افراد نامشهور دقت بسیار به‌خرج می‌دهد.^{۷۵} گاه از دوره حضور فرد در رَقه یاد می‌کند،^{۷۶} گاهی هیچ سخنی از این‌که چه زمانی به رَقه آمده و چند مدت در آن‌جا اقامت داشته به‌میان نمی‌آورد.^{۷۷} برای بعضی هم نسبت رقی/الرقی

۷۰. قشیری حرانی، ۲۳-۲۷.

۷۱. همو، ۴۲-۶۱.

۷۲. برای نمونه، نک. همو، ۳۷، ۷۳، ۸۶، ۱۱۳، ۱۲۲.

۷۳. برای نمونه، نک. همو، ۶۸، ۶۹، ۸۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۵۲.

۷۴. برای نمونه، نک. ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۸۴، ۸۶، ۹۳، ۹۴، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱.

۷۵. نک. همو، ۱۳۰-۱۸۷.

۷۶. برای نمونه، نک. قشیری حرانی، ۲۹، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۶۷، ۴۰، ۷۳، ۹۰، ۹۶.

۷۷. برای نمونه، نک. همو، ۳۵، ۳۷، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۸۴، ۹۰، ۹۲، ۱۰۰.

۷۸. برای نمونه، نک. همو، ۵۳، ۵۴، ۹۳، ۹۷، ۱۰۹، ۱۱۲.

لابه لای خبرهای کوتاهی که قشیری ذیل نام برخی افراد آورده می‌توان به داده‌های هرچند اندک دست یافت. مثلاً در سخن از داود بن کثیر بن ابی‌خالد به نقل از سعید بن مسیب حدیث معروف منزلت را در وصف جایگاه امام علی (ع) نزد پیامبر (ص) بیان می‌کند.^{۷۹} در جای دیگر به نقل از سعید بن مسیب و ام‌سلمه حدیث «المهدی من عترتی، من وُلد فاطمة سلام الله علیها»^{۸۰} را آورده و همچنین خبر پیش‌بینی شهادت امام حسین (ع) از سوی پیامبر را به نقل از ام سلمه ذکر کرده است.^{۸۱} از صالح بن مسمار گزارشی آورده متضمن انتقاد او از خلافت هشام بن عبدالملک؛^{۸۲} یا در ذکر عمرو بن میمون بن مهران اشاره می‌کند که وی از مخالفان خلیفه محمد بن مروان بوده و دستگاه خلافت از او می‌ترسید.^{۸۳}

تشخیص این‌که تاریخ رَقّه از کدام گونه تاریخ‌های محلی است آسان‌تر از سه کتاب دیگر است، چراکه عنوان طولانی کتاب کاملاً گویای آن است که از گونه تراجم‌نگاری است، اما نه تراجم‌نگاری «الفبایی» بلکه تراجم‌نگاری از نوع کتاب‌های «طبقات». گونه‌ای که در میان کتاب‌هایی که عنوان «تاریخ» بر خود دارند کمتر دیده شده است، چه در نام این دسته از کتاب‌ها، یعنی تراجم‌نگاری‌های طبقاتی، غالباً خود واژه «طبقات» ذکر می‌شد. کتاب‌های طبقات را کهن‌ترین نوع در سرگذشت‌نامه‌های اسلامی می‌دانند.^{۸۴} در نتیجه می‌توان گفت تاریخ رَقّه از گونه «تراجم‌نگاری طبقاتی» است که به لحاظ محتوایی در زمره «تاریخ‌های محلی دینی» قرار می‌گیرد.

۷۹. همو، ۱۵۱.

۸۰. همو، ۹۵.

۸۱. همو، ۹۸.

۸۲. همو، ۷۰.

۸۳. همو، ۷۵.

۸۴. روزنتال، ۱۱/۱؛ طاهری عراقی، سی.

تاریخ میافارقین

تاریخ میافارقین و آمد یا تاریخ فارقی نوشته احمد بن یوسف بن علی بن ابن ازرَق فارقی (د پس از ۵۷۷هـ) است که تا کنون متن کامل آن منتشر نشده است. بدوی عبدالطیف عوض در ۱۹۵۹م با تکیه بر دو نسخه خطی موجود در کتابخانه بریتانیا^{۸۵} بخش مراونیان آن را با عنوان تاریخ الفارقی: الدولة المروانیة تصحیح و چاپ کرد.^{۸۶}

چ. رابینسون نسخه خطی تاریخ میافارقین را کاویده و گزارشی دقیق از محتوای آن به- دست داده است. ۱۱۰ برگه نخست از این نسخه به گزارش تاریخ خلافت‌های راشد، اموی و عباسی تا برآمدن دولت محلی حمدانیان اختصاص دارد. کتاب با گزارش فتح دمشق، نبرد قادسیه و فتح جزیره به فرماندهی عیاض بن غنم آغاز می‌شود. در ادامه روایت‌هایی از گذشته پیشااسلامی شهر و بناهای آن و تاریخچه‌ای کوتاه از دوره تسلط ایرانیان بر این شهر ذکر شده است. سپس به ذکر دوره خلفای راشدین پرداخته و گزارشی مختصر از فتوحات دوره عمر و زندگی و مرگ/قتل او، خلافت عثمان، خلافت علی(ع)، شهادت او و تعیین حسن(ع) به جانشینی (و در پی او حسین(ع) و حتی نام محمد بن حنفیه نیز آمده) و دوره خلافت حسن(ع)، به دست داده است. پس از آن دوره (ولایت) معاویه، دوره یزید و شهادت

85. The British Library

۸۶. برگردانی فارسی از این کتاب با ترجمه روان شاد دکتر حسین قرچانلو منتشر شده است (تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶ش). تصحیح‌های دیگری از این کتاب با این مشخصات منتشر شده است: الفارقی، احمد بن یوسف، تاریخ میافارقین، به کوشش کریم فاروق الخولی و یوسف بالوکن، استانبول، مطبعه نوبهار، ۲۰۱۴م؛ تاریخ ابن الازرق الفارقی، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، المكتبة العصرية، ۲۰۱۶م. به نظر می‌رسد هیچ یک از این تصحیح‌ها شامل متن کتاب کامل نیست. دسترسی به این دو تصحیح امکان‌پذیر نشد، اما تصحیح تدمری بنابر اطلاعات روی جلد شامل سال‌های ۴۷۷ تا ۵۷۱هـ است که بخش پایانی کتاب و ادامه تصحیح عوض است. پیش از این تصحیح‌ها کارول هیلنبراند در رساله‌ای دکتری خود بخش پایانی کتاب، دوره اُرتقیان، را تصحیح و به ترجمه کرده است:

Hillenbrand, C., *The history of the Jazira 1100-1150: the contribution of Ibn Al-Azraq al-Fariqi*, PhD thesis, University of Edinburgh, 1979.

حسین(ع)، دوره مروان بن حکم و خلفای اموی پس از وی یک به یک تا مروان حمار را روایت کرده و در پایان دو فهرست جداگانه از خلفای اموی و مدعیان خلافت به دست داده است. هم چنین پس از ذکر آغاز دعوت عباسی، رابطه آن‌ها با علویان، جنبش خراسان و شکست مروان حمار، فهرست خلفای عباسی را آورده و سپس به گزارش دوره عباسیان از سفاح تا راضی پرداخته است.^{۸۷}

بخش مروانین تاریخ فارقی به مثابه تاریخ دودمانی مروانین، تاریخ این سلسله محلی کردتبار در دیاربکر را از ۳۸۰هـ تا سقوط آن در ۴۷۸هـ روایت کرده و تصویر نسبتاً کاملی از امیران این خاندان به دست داده است. این بخش با «ذکر ابتداء ولایة الاکراد بمیافارقین» که در واقع گزارش احوال و اقدامات باذ (حسین) بن دوستک حاربختی است،^{۸۸} آغاز می شود. سپس در «ذکر ولایة بنی مروان دیاربکر جمیعها»^{۸۹} به ترتیب به رویدادهای روزگار امیر ابوعلی حسن بن مروان؛^{۹۰} امیر ممهدالدوله؛^{۹۱} امیر نصرالدوله؛^{۹۲} امیر نظام الدین؛^{۹۳} و سرانجام امیر ناصرالدوله^{۹۴} را آورده است. باین همه در میانه بحث از مروانین، گاه به موضوعات دیگر می پردازد؛ مثلاً در میانه اخبار دوره امیر ممهدالدوله به «ذکر خلافة ابی العباس القادر بن اسحاق الممتقی» پرداخته است.^{۹۵} اخبار بسیاری از دیگر فرمانروایان و سرزمین‌های اسلامی مانند خبر وفات خلیفه العزیز بالله فاطمی و به خلافت نشستن

87. Robinson, 9-10.

همچنین نک. ابن ازرق فارقی (مقدمه عوض)، ۲.

۸۸. ابن ازرق فارقی، ۴۹-۵۸.

۸۹. همو، ۵۹.

۹۰. همو، ۶۰-۷۷.

۹۱. همو، ۷۸-۹۲.

۹۲. همو، ۹۳-۱۷۶.

۹۳. همو، ۱۷۸-۲۰۱.

۹۴. همو، ۲۰۲-۲۴۷.

۹۵. همو، ۶۴.

الحاکم بامرالله، چگونگی رابطه آل‌بویه با فاطمیان، شورش بساسیری در بغداد، ظهور سلجوقیان و نبرد آنان با غزنویان در دندانقان، جنگ ملازگرد در تاریخ میافارقین آمده- است.^{۹۶} هم‌چنین مینورسکی در مطالعات خود پرده از اهمیت تاریخ میافارقین برای پژوهش در تاریخ قفقاز و سلسله‌های محلی آن‌جا برداشته‌است؛ به تعبیر او «تاریخ میافارقین تألیف ابن ازرق، منبع اطلاعات غیرمنتظره‌ای درباره قفقاز است».^{۹۷}

تاریخ فارقی هم‌چنین متضمن اطلاعات اجتماعی بسیاری درباره شهرها و مردمان ساکن میافارقین و جزیره و نواحی پیرامون آن است؛ مثلاً درباره قبایل کرد چون قبیله «الحرابختیه»،^{۹۸} «الهکاریه»،^{۹۹} «الدنبلیه»،^{۱۰۰} «اروادیه»،^{۱۰۱} «الجوییه»^{۱۰۲} آگاهی‌های سودمندی آورده است. نیز درباره وضع اقتصادی میافارقین و آمد داده‌های ارزشمندی دارد. او از کشتزارهای گندم و باغات پرمیوه و سبزیجات شهر میافارقین یاد می‌کند.^{۱۰۳} از بازارهای میافارقین مانند سوق البر،^{۱۰۴} سوق القبة^{۱۰۵} یا سوق الطعام^{۱۰۶} در عهد مروانی سخن می‌راند. از خلال تاریخ الفارقی می‌توان مطالبی از اوصاف ابنیه مختلف این دو شهر به‌ویژه قصرهای حمدانی و مروانی و مرمت آنان و نیز شهر النصریه و دیگر سازه‌های شهری

۹۶. نک. همو، ۷۱، ۱۰۸، ۱۰۲، ۱۵۹، ۱۸۹.

۹۷. مینورسکی، تاریخ شروان و دربند، ۳۳۱-۳۳۵؛ نیز نک. پژوهشهایی در تاریخ قفقاز، ۱۱۵ به بعد.

۹۸. ابن ازرق فارقی، ۴۹، ۵۹.

۹۹. همو، ۵۵.

۱۰۰. همو، ۹۳.

۱۰۱. همو، ۲۰۶.

۱۰۲. همو، ۲۶۰.

۱۰۳. همو، ۱۱۵.

۱۰۴. همو، ۶۶.

۱۰۵. همو، ۱۶۵.

۱۰۶. همو، ۷۵.

به دست آورد. ^{۱۰۷} او از بیمارستانی که امیر نصر الدوله بنا کرد، ^{۱۰۸} حمام‌های ویژه در قصر امرا و وزرا چون حمام قصر جدید نصر الدوله ^{۱۰۹} و حمامی مختص به رئیس ابو عبدالله بن موشک ^{۱۱۰} و نیز بنای حمام‌های عمومی نیز یاد کرده است. ^{۱۱۱}

تاریخ فارقی مورد پذیرش و توجه مورخان بعدی قرار گرفت. از جمله ابن خَلکان چندین بار از تاریخ میافارقین بهره گرفته، ^{۱۱۲} مثل آنچه او درباره دادگری امیر نصرالدوله مروانی و خوشبختی و آسایش مردم در حکومت آورده همه را از ابن ازرق فارقی نقل کرده است. ^{۱۱۳} سبط بن جوزی هم عیناً گزارش ابن ازرق را درباره وزیر ابن مغربی آورده است. ^{۱۱۴} ابن شداد نیز در الاعلاق الخطیة فی ذکر امراء الشام و الجزيرة از تاریخ میافارقین بسیار بهره برده است. ^{۱۱۵}

در ارزیابی کلان، هم‌سخن با رابینسون می‌توان گفت، تاریخ میافارقین «اساساً تاریخی دودمانی است تا سال شمار». ^{۱۱۶} بخش نخست کتاب تاریخ عمومی خلافت است که تاریخ محلی میافارقین و ناحیه جزیره در آن بسیار کم بازتاب یافته و از ذکر والیان این ناحیه و قاضیان میافارقین و نبردهای مسلمانان با بیزانس فراتر نمی‌رود. ^{۱۱۷} در بخش‌های بعدی نیز ذیل تاریخ دودمان‌های حمدانی، مروانی و ارتقی، تاریخ محلی میافارقین و ناحیه

۱۰۷. همو، ۷۸، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۴۰-۱۴۳.

۱۰۸. همو، ۱۲۳.

۱۰۹. همو، ۱۰۸.

۱۱۰. همو، ۲۶۹.

۱۱۱. همو، ۱۴۱-۱۴۲.

۱۱۲. ابن خَلکان، ۱۷۷/۱؛ ۲۶۵/۲؛ ۱۷۶/۴؛ ۲۲۴؛ ۱۸۳/۵؛ ۲۰۲، ۳۸۲؛ ۷۶/۶.

۱۱۳. همو، ۱۷۷/۱.

۱۱۴. سبط بن جوزی، ۴۱۸.

۱۱۵. ابن شداد، ۲۷۸/۳، ۲۷۹، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۳۴، ۵۵۱.

116. Robinson, 12.

117. Ibid.

جزیره نیز روایت شده است. بنابر آنچه گفته آمد، می‌توان گفت که تاریخ میافارقین گاه-نگاری «محلی-عمومی-دودمانی» است.

تاریخ اربل

تاریخ اربل نگاشته ابوالبرکات شرف الدین مبارک بن احمد ابن مُستوفی اِربلی (د ۶۳۷هـ) است. ابن شَعَار (د ۶۵۴هـ) هم‌روزگار ابن مُستوفی، حاجی خلیفه (د ۱۰۶۷هـ) و اسماعیل پاشا بغدادی (د ۱۳۳۹هـ)، از آن به نام نِبَاهَةُ الْبَلَدِ الْخَامِلِ بَمَنْ وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأُمَثِلِ یاد کرده‌اند.^{۱۱۸} ابن خلکان (د ۶۸۱هـ) آن را تاریخ ابن مُستوفی نامیده است.^{۱۱۹} صَفَدی (د و سیوطی (د. ۹۱۱هـ) آن را تاریخ اربل نامیده‌اند.^{۱۲۰} تاریخ اربل تا کنون به صورت کامل یافت نشده و از این روی در باب اجزای آن اختلاف هست. ابن خَلْكَان^{۱۲۱} و سیوطی^{۱۲۲} آورده-اند که تاریخ اربل در چهار جزء نوشته شده و شماری از متأخران نیز بر این اعتقادند،^{۱۲۳} اما سخاوی^{۱۲۴} گفته که تاریخ اربل پنج جزء داشته است. آربری^{۱۲۵} خاورشناس، کاشف یگانه نسخه خطی کتاب در کتابخانه چِسْتَر بیتی، بر این باور بود که بخش بازمانده جزء چهارم تاریخ اربل است،^{۱۲۶} اما در ابتدا و انتهای نسخه به روشنی آمده که این جزء دوم کتاب است.^{۱۲۷}

۱۱۸. ابن شَعَار، ۴۰/۶؛ حاجی خلیفه، ۱۹۲۳/۲؛ اسماعیل پاشا، ۳/۲.

۱۱۹. ابن خلکان، ۱۴۷/۴.

۱۲۰. صَفَدی، ۲۸۶/۱؛ سیوطی، ۲۷۲/۲.

۱۲۱. ابن خلکان، ۱۴۷/۴.

۱۲۲. سیوطی، ۲۷۲/۲.

۱۲۳. حاجی خلیفه، ۱۹۲۳/۲؛ اسماعیل پاشا، ۳/۲؛ کحاله، ۱۷۰/۸.

۱۲۴. سخاوی، ۱۲۱.

125. Arberry

۱۲۶. ابن مستوفی اربلی (مقدمه صقار)، ۹/۱.

۱۲۷. همو، ۳۳/۱، ۷۵۷.

بخش باقی مانده از تاریخ اربل مشتمل است بر شرح حال ۳۳۷ تن که در سده‌های ششم و هفتم هجری در اربل و پیرامون آن می‌زیسته یا بدانجا وارد شده بوده‌اند. این بخش چنین آغاز شده: «الفصل الثانی فی ذکر الاخیار و الصلحاء و المنتسبین بهم» و در ادامه آورده است: «أنا ذاکرٌ فی هذا الباب المنقطعین الی الزّهادة و الموسومین بالعدالة و المعروفین بالروایة».^{۱۲۸} این جزء با شرح حال صوفی نامدار ابوالفتوح احمد غزالی (د ۵۲۰هـ) شروع شده و با ذکر احوال ابوالحسن علی بن المکبّر (د ۶۴۰هـ) پایان یافته است. خلیل ابراهیم جاسم در یک بررسی آماری روشن ساخته که این ۳۳۷ تن شامل ۱۲۰ محدث، ۶۹ صوفی، ۳۶ فقیه، ۲۲ واعظ، ۲۲ شاعر، ۲۱ مقری، ۱۳ قاضی، ۱۰ شاهد عدل، ۶ لغوی، ۶ خطیب، ۳ مورخ و بقیه که کم‌تر از دودرصد افراد می‌شوند منجم، طبیب و مودّب بوده‌اند.^{۱۲۹}

ابن‌مُستوفی شرح حال افراد را با نوشتن اسمی که فرد به آن معروف است آغاز می‌کند، مثلاً الشریف الکنجی؛ الحافظ ابویعقوب؛ ابن‌القطیعی؛ الامام الصالح ابوحامد التبریزی.^{۱۳۰} سپس کنیه و نام کامل فرد را شامل نام پدران و اجدادش می‌آورد، آن‌گاه نسبت او را به شهر و قبیله ذکر می‌کند و پس از آن، گاه از شهرت فرد یاد می‌کند مثلاً ابن‌الحدوس، ابن‌الحداد و ابن‌الجمال.^{۱۳۱} سپس نام استادان (شیوخ) آن‌ها را ذکر می‌کند و از سفرها و پیشه‌های آن‌ها یاد می‌کند و از تألیفاتشان سخن می‌راند.^{۱۳۲} اگر فقیه یا محدث باشد از او حدیثی نقل می‌کند، به‌ویژه اگر ابن‌مُستوفی آن شخص را ملاقات کرده باشد.^{۱۳۳} غالباً تاریخ

۱۲۸. همو، ۳۳/۱.

۱۲۹. جاسم، ۱۵۲.

۱۳۰. ابن‌مُستوفی اربلی، ۱۲۱/۱، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۶.

۱۳۱. همو، ۶۱/۱، ۱۰۱، ۲۷۸.

۱۳۲. همو، ۳۴/۱، ۳۶، ۳۷، ۵۸، ۶۴.

۱۳۳. نک. همو، ۹۰/۱-۹۱، ۹۳.

ولادت و به‌ویژه زمان و مکان وفات آن‌ها را بیان می‌کند.^{۱۳۴} گاه از زمان ورود افراد به شهر اربل و استماع حدیث و مکان آن نیز یاد می‌کند.^{۱۳۵}

سامی صقار بر این باور است که اگر جزء اول تاریخ اربل در دست بود، مانند تاریخ‌های محلی مشابه چون تاریخ بغداد خطیب بغدادی یا تاریخ مدینه دمشق ابن‌عساکر، بخشی شامل جغرافیا و عارضه‌نگاری شهر اربل را دربر می‌گرفت.^{۱۳۶} این گمان احتمالاً درست باشد، چراکه بخش بازمانده از تاریخ اربل همانند دو کتاب مذکور در قالب سرگذشت‌نامه تنظیم شده است. حال پرسش این است آیا تاریخ اربل هم‌چون آثار مشابه از تراجم‌نگاری‌های الفبایی یا فرهنگ‌نامه‌های تاریخی است؟ پاسخ منفی است، زیرا ابن‌مستوفی کتاب‌اش را به شیوه الفبایی تنظیم نکرده است. شیوه تدوین کتاب‌های تراجم (سرگذشت‌نامه‌ها) در فرهنگ اسلامی به سه گونه زمانی، مکانی و الفبایی است^{۱۳۷} که در تاریخ اربل هیچ یک از این سه شیوه رعایت نشده است. تاریخ اربل نه چون کتاب‌های طبقات زمانی و مکانی است نه مانند تاریخ بغداد خطیب بغدادی و یا وفیات الاعیان ابن‌خلکان الفبایی است. صقار بر این باور است که ابن‌مستوفی به‌طور عمده کتاب‌اش را بر اساس سال وفات تنظیم کرده و تقدم با متقدمان است و متأخران در پایان کتاب آمده‌اند. درست است که در صد صفحه آخر کتاب بیشتر شرح احوال افرادی آمده که پس از سال ۶۲۰ هجری وارد اربل شده بودند، اما در همین صفحات از کسانی که در سال ۵۹۴ هجری یا ۶۰۱ هجری از دنیا رفتند نیز یاد شده؛^{۱۳۸} از این روی باید به دنبال معیارها و شیوه‌های دیگری رفت که ابن-

۱۳۴. مثلاً نک. همو، ۶۵/۱، ۸۹، ۹۴.

۱۳۵. مثلاً نک. همو، ۵۵/۱، ۷۲.

۱۳۶. صقار، ۲۹۸.

۱۳۷. در این باره ابن‌سه‌شیوه نک. طاهری عراقی، سی تا سی‌وسه.

۱۳۸. برای نمونه، نک. شرح‌حال‌های «ابن‌الوزان» (ابن‌مستوفی اربلی، ۴۶۰/۱)؛ «الخطیب‌الکرخینی» (همو، ۴۵۳/۱)؛ «خلف‌الکنری» (همو، ۴۵۱/۱)؛ «ابن‌الغتمی» (همو، ۴۴۳/۱)؛ «ابومحمد‌الدمشقی» (همو، ۴۴۶/۱)؛ «عبدالله بن ابن‌ابی‌الفضل» (همو، ۴۰۵/۱)؛ «الصریفینی» (همو، ۴۰۵/۱).

مُستوفی در تنظیم کتاب از آن‌ها بهره برده است.

در نگاه اول چنین می‌نماید که ترتیب و توالی ذکر تراجم در تاریخ اربل فاقد نظم و شیوه است. اگرچه ابن‌مُستوفی معیاری واحد ندارد، با اندکی دقت و واریسی می‌توان به برخی از معیارهای او در ترتیب و تنظیم تاریخ اربل دست یافت، معیارهایی چون خویشاوندی و نسب یا نسبت مشترک، رابطه استاد-شاگردی یا هم‌زمانی در هنگام ورود به اربل؛ مثلاً پس از این که شرح حال احمد بن محمد الحدیثی را می‌نویسد از پسرش روح بن احمد سخن می‌راند و پس از آن از نواده‌اش عبدالملک یاد می‌کند.^{۱۳۹} پس از شرح حال اسماعیل بن مسلم اربلی، از برادرش ابراهیم و سپس از پسر او علی بن اسماعیل و آن‌گاه از پسر برادرش محمد بن ابراهیم سخن می‌گوید.^{۱۴۰} در جایی شرح حال سه نفر را پشت سر هم می‌آورد که جملگی از خطیب بغدادی حدیث شنیده بودند: محمد بن حسین اربلی، سعید بن افشین اربلی، ابوبکر محمد بن علی اربلی.^{۱۴۱} پس از شرح حال شیخ علی بن الهیثی از شاگردش بوهزری یاد می‌کند.^{۱۴۲} گاهی معیار سال ورود افراد به شهر اربل بوده است و افرادی که در یک سال وارد شهر شدند شرح حال آن‌ها پشت سرهم آمده است؛ به عنوان نمونه بارسطغان، عبدالرحمن بغدادی و کاتبه ارمویه که در ۶۱۶ هجری وارد اربل شده‌اند شرح حالشان در پی هم آمده است.^{۱۴۳} ابو اسحاق ابراهیم بن عثمان و دوستش عسکر بن عبدالرحیم که با هم در سال ۶۱۴ هجری به اربل آمدند، در کنار هم یاد شده‌اند؛^{۱۴۴} هم‌چنین است ذکر احوال ابوالمجد قزوینی و عبدالغفور تبریزی که در ۶۱۹ هجری وارد شدند.^{۱۴۵}

۱۳۹. همو، ۲۰۷/۱-۲۱۰.

۱۴۰. همو، ۲۱۳/۱-۲۱۵.

۱۴۱. همو، ۴۹/۰۱-۵۰.

۱۴۲. ابن‌مُستوفی اربلی، ۵۳/۱-۵۵.

۱۴۳. همو، ۲۴۴/۱، ۲۴۶، ۲۴۸.

۱۴۴. ابن‌مُستوفی اربلی، ۲۱۵/۱-۲۱۶.

۱۴۵. همو، ۳۰/۱.

گاه شرح حال کسانی که در یک سال درگذشته‌اند کنار هم آورده شده، مثلاً ابن-خلیفان و عبداللطیف سهروردی^{۱۴۶} که در سال ۶۱۰هـ یا عمر بن بدر نخعی و راجیه بنت عبدالله که در سال ۶۲۲هـ از دنیا رفتند.^{۱۴۷} ابن‌مستوفی گاه شرح حال افرادی را که اهل یک شهر و یا یک سرزمین بودند کنار هم می‌آورد؛ مثلاً شرح حال عبدالله بن عبدالرحمن انصاری و ابوعبدالله بن موسی بن عمران بن سلیمان قیسی که اهل سلاهی مغرب بودند کنار هم نوشته شده؛^{۱۴۸} هم‌چنین زندگی‌نامه‌های ابن‌شیت الطیب و عبدالحمید مقدسی اهل فلسطین و عبدالقاهر بن الحسن و ابن‌الغنمی اهل موصل به ترتیب پی هم آمده‌است.^{۱۴۹} گاهی از افرادی که اسم، کنیه و نسبت‌های مشابهی دارند، در پی هم یاد می‌کند؛ مثلاً دو تن که نام-شان «ابن‌بصلا» است کنار هم آمده‌اند.^{۱۵۰}

از مباحث و مثال‌های ذکرشده کاملاً روشن می‌شود که تاریخ اربل شیوه تنظیم و تدوینی ویژه خود دارد که شاید در میان کتاب‌های تراجم هیچ نمونه مشابهی نداشته باشد. تاریخ اربل تاریخی محلی است که نه فرهنگ‌نامه است نه طبقات، و اگر قرار بر آن باشد گونه‌ای تازه به این دو گونه اضافه شود که تاریخ اربل در آن جای گیرد می‌توان گفت: تراجم-نگاری «غیرالفبایی» و «غیرطبقاتی».

در تاریخ اربل افزون بر احوال و آثار اشخاص، گزارش‌ها و داده‌های مهمی درباره برخی از روی‌دادها و مسائل سیاسی و اجتماعی سده‌های ششم و هفتم هجری آمده‌است؛

۱۴۶. همو، ۱۷۰/۱-۱۷۱.

۱۴۷. همو، ۲۳۷/۱-۲۳۹.

۱۴۸. همو، ۳۱۱/۱.

۱۴۹. همو، ۳۱۴/۱-۳۱۵، ۴۴۲/۱-۴۴۳.

۱۵۰. ابن‌مستوفی اربلی، ۲۶۰-۲۶۳؛ نمونه‌های دیگر مبارک به طاهر خزاعی و علی بن محمد بن طاهر خزاعی (همو، ۴۱/۱-۴۷)؛ ابوسکر حماد بن یحیی بن ابی عیسی بوزیجی و ابوسکر حماد بن محمد بن حساس بوزیجی (همو، ۲۵۳/۱)؛ ابوبکر عبدالله بن عمر بن علی رازی و محمد بن ابراهیم بن جعفر رازی (همو، ۳۴۹/۱).

به‌عنوان مثال می‌توان به این‌ها اشاره کرد: گزارش ورود صلاح الدین به موصل؛^{۱۵۱} تعیین والی شهرزور و نواحی آن؛^{۱۵۲} خبر تعرض مغولان به خوارزم؛^{۱۵۳} فرار کردن قاضی مصری به اربل.^{۱۵۴} یا خبر پاسخ امیر کوبوری به استغاثه اهل جزیره میورقه^{۱۵۵} افزون بر والیان و حاکمان تاریخ اربل داده‌های بسیار مهمی درباره قاضیان و اختیارات آنان و امور قضایی در اربل آن روزگار دارد.^{۱۵۶} تاریخ اربل هم‌چنین متضمن آگاهی‌هایی درباره فرقه‌های مذهبی و صوفیه است؛ مثلاً درباره فرقه عدویه و بعضی از اختلافات میان این گروه و برخی از علمای آن^{۱۵۷} و اختلافات کلامی بین حنابله و اشاعره را ذکر می‌کند.^{۱۵۸} هم‌چنین گاه مطالب سودمندی درباره رابطه مسلمانان با مسیحیان در اربل و اطراف آن به‌دست می‌دهد.^{۱۵۹}

شماری از مورخان و تراجم‌نویسان از تاریخ اربل ابن‌مستوفی بهره برده و از آن نقل کرده‌اند. نخست باید از ابن‌شعار، دوست و ملازم ابن‌مستوفی، یاد کرد که در عقود الجمان فی شعراء هذا الزمان از تاریخ اربل بارها نقل کرده‌است.^{۱۶۰} ابن‌خلکان نیز تاریخ اربل را در اختیار داشته و در جاهایی از آن نقل کرده‌است.^{۱۶۱} ابن‌فوطی هم از تاریخ اربل در معجم

۱۵۱. همو، ۳۱۷/۱.

۱۵۲. همو، ۳۴۱/۱.

۱۵۳. همو، ۳۱۹/۱.

۱۵۴. همو، ۲۹۳/۱.

۱۵۵. همو، ۴۳۰/۱.

۱۵۶. همو، ۱۲۶/۱، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۲۷ و جم

۱۵۷. ابن‌مستوفی اربلی، ۱۱۴، ۱۱۵/۱، ۲۵۳.

۱۵۸. همو، ۱۵۵/۱، ۱۵۶، ۲۷۲، ۳۱۷.

۱۵۹. همو، ۱۳۳/۱، ۲۰۶، ۲۲۳، ۳۵۲.

۱۶۰. ابن‌شعار، ۲۷۱/۴، ۲۸۸، ۴۷/۵، ۲۷۸، ۲۵۰/۶، ۲۴۷/۷، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۹۴، ۳۰۴، ۳۰۷.

۱۶۱. ابن‌خلکان، ۱۷/۱، ۱۷۵، ۱۹۱، ۲۷۱، ۴۴۱، ۳۲/۲، ۴۲، ۱۲۵، ۱۹۱، ۴۱۷، ۲۶/۳، ۳۵، ۱۷۲، ۲۳۳، ۲۴۸،

۲۸۹، ۲۹۸، ۲۰/۴، ۲۶، ۲۸، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۳۶۵، ۳۹۸، ۲۵/۵، ۳۲.

اللقاب بهره برده‌است.^{۱۶۲} یونینی نیز در ذیل مرآة الزمان گاه روایاتی از ابن مستوقی نقل کرده‌است.^{۱۶۳} هم‌چنین ابن‌شاکر کتبی،^{۱۶۴} یافعی^{۱۶۵} و ابن‌فرات^{۱۶۶} از تاریخ اربل چند بار نقل کرده‌اند.

نتیجه

با بررسی ساختار و محتوای چهار تاریخ محلی ناحیه جزیره روشن شد که این آثار صرفاً تاریخ یک «شهر» یا «ناحیه» نیستند و ذیل گونه‌های دیگری نیز می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد. تاریخ موصل که به شیوه سالشمار تدوین شده یک «گاه‌نگاری محلی - عمومی» است که افزون بر گزارش روی داده‌های شهر موصل و نواحی اطراف آن به اخبار و تحولات دیگر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه به تاریخ خلفای متأخر اموی و خلفای نخستین عباسی نیز پرداخته‌است. تاریخ رَقَّة در زمره «تراجم‌نگاری‌های طبقاتی» قرار می‌گیرد که در آن به-اختصار به ذکر احوال چند تن از صحابه و تابعین و شمار زیادی از علمای باشنده این شهر پرداخته شده‌است و درباره تاریخ و جغرافیایی این شهر گزارش‌های اندکی دارد. تاریخ میافارقین یک «گاه‌نگاری محلی-عمومی-دودمانی» است که در ضمن تاریخ عمومی خلفای راشدین، اموی و عباسی و تاریخ دودمانی حمدانیان، مروانیان و اُرتُقیان به رویدادهای میافارقین و جزیره نیز پرداخته‌است. تاریخ اربل هم شیوه تدوین ویژه‌ای دارد که نه الفبایی است، نه طبقاتی و درواقع یک «تراجم‌نگاری غیرالفبایی و غیرطبقاتی» است که شامل شرح‌احوال شماری از دانشوران سده‌های ششم و هفتم هجری است که سراسر یا

۱۶۲. ابن‌فوطی، ۷۹/۱، ۵۷۶، ۵۸۶؛ ۸۴۱/۲، ۹۲۳، ۱۰۵۵، ۱۱۵۸؛ ۸۰/۳، ۲۵۰.

۱۶۳. یونینی، ۶۵/۱، ۷۳؛ ۳۰۵/۲؛ ۱۵۳/۴، ۱۵۹، ۳۲۱.

۱۶۴. ابن‌شاکر کتبی، ۳۹۲/۱۲.

۱۶۵. یافعی، ۱۵۰/۳، ۱۲/۴، ۶۸.

۱۶۶. ابن‌فرات، ۳۴/۵، ۱۳۹.

برهه‌ای از زندگی خود را در اربل و پیرامون آن زیسته‌اند.

کتابشناسی

- آئینه‌وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۹۶۵م.
- ابن ازرق فارقی، احمد بن یوسف بن علی، تاریخ الفارقی، به کوشش عبداللطیف عوض بدوی، قاهره، هیئة العامة لشنون الطابع الامیریة، ۱۹۵۹م.
- ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابی بکر، وفيات الاعیان و ابناء انباء الزمان، به کوشش احسان عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد، جمهرة انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ابن شاکر کتبی، احمد، عیون التواریخ، به کوشش حسام الدین المقدسی، قاهره، مکتبه النهضة، ۱۹۸۰م.
- ابن شداد، عزالدین، ابوعبدالله محمد بن علی بن ابراهیم بن شداد، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، جزء سوم، به کوشش یحیی زکریا عباره، وزاره الثقافه، دمشق، ۱۹۹۱م.
- ابن شعّار، کمال الدین ابو البرکات المبارک، قلاند الجمّان فی فرائد شعرا هذا الزمان، (عقود الجمّان و شعرا هذا الزمان)، به کوشش کامل سلمان الجبوری، بیروت، ۱۴۲۶ق.
- ابن فرات، محمد بن عبدالرحیم، تاریخ ابن فرات، به کوشش قسطنطین زریق، بیروت، المطبعه الامیرکانه، ۱۹۴۲م.
- ابن فوطی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد الشیبانی البغدادی، مجمع الآداب فی معجم الالقاب، به کوشش محمد الکاظم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ابن مُستوفی اربلی، ابوالبرکات شرف الدین مبارک بن احمد، تاریخ اربل (نباهة البلد الخامل من ورد علیه من الامائل)، به کوشش سامی بن سید خماس الصّقّار، بغداد، دارالرشید، ۱۹۸۰م.
- ازدی، ابوزکریا یزید بن محمد، تاریخ الموصل، به کوشش علی حبیبه، قاهره، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۸۷ق.

- اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفين، اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، به كوشش محمد مهدی خرسان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۱م.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، به كوشش عبدالعزیز الدوری، بیروت، جمعية المستشرقين الالمانية، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.
- جاسم، خلیل ابراهیم، «المنظور الحضاری فی منهج ابن مستوفی فی كتابه تاریخ اربل»، مجلة ابحاث كلية التربية الاساسية، المجلد ۱، العدد ۳، ۲۰۰۳م.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، به كوشش محمد شرف الدین یالتقیا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ذیلایی، نگار، «مسلمانان و خزرها»، تاریخ اسلام، س سوم، ش نهم، بهار ۱۳۸۱.
- رابینسون، چیس اف.، تاریخ نگاری اسلامی، ترجمه محسن الویری، تهران، سمت، ۱۳۹۲ش.
- روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵ش.
- سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۸ش.
- سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم اهل التاريخ، به كوشش صالح احمد العلی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانية، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، بغية الوعاة في طبقات اللغويين و النحاة، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، صیدا، المكتبة العصرية، ۱۹۶۴م.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م.
- صقار، سامی بن خماس، امارة اربل فی العصر العباسی و مورخها ابن المستوفی، ریاض، دارالشواف، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م.
- طاهری عراقی، احمد، رده BP اسلام، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶ش.
- عالم زاده، هادی، «خزران در منابع اسلامی»، مقالات و بررسیها، دفتر ۴۷-۴۸، ۱۳۶۸، ۸۳-۹۴.
- قُشیری حرانی، ابوعلی محمد بن سعید بن عبدالرحمن، تاریخ الرقة و من نزلها من اصحاب رسول الله و التابعین و الفقهاء و المحدثین، به كوشش ابراهیم صالح، دمشق، دارالبشائر، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- كحاله، عمررضا، معجم المؤلفين تراجم مصنفی لكتب العربية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.

۱۳۷۶ق.

مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، کتاب النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیة و بنی هاشم، به کوشش حسین مونس، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۸۸م.

مینورسکی، و.، پژوهشهایی در تاریخ قفقاز، ترجمه محسن خادم، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.

همو، تاریخ شروان و دربند، ترجمه محسن خادم، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان، به کوشش منصور خلیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۱ش.

یونینی، قطب‌الدین موسی بن محمد، ذیل مرآة الزمان، قاهره، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

Robinson, Chase F., "Ibn al-Azraq, His Ta'rikh Mayyāfāriqīn and Early Islam", *Journal of the Royal Asiatic Society*, Third Series, Vol. 6, No. 1 (Apr., 1996).